

مدیران موفق رفتارهایی دارند که موجب می شود در کارشان بدرخشند!
چندبار برایتان پیش آمده که بخواهید با مدیرانی همکاری کنید که،
واقعا رفتار بسیار خوبی با اعضای مجموعه و کارکنان خود دارند؟
به نظرم داشتن یک مدیر خوب یک نعمت و یک خوشبختی است،
چراکه اگر مدیر خوبی داشته باشیم در واقع محیط کار برایمان فقط محیط کار معمولی نیست،
و با میل و رغبت کار می کنیم و احساس رضایت می کنیم.

اما برعکسش هم امکان پذیر است.

وقتی مدیری داشته باشیم که اصلا اصول رفتاری را نمی شناسد یا تصمیم گرفته که طبق اصول رفتار نکند.

محیط کار را به فضایی تبدیل می کند که کارمندان میل و انگیزه ای برای کار کردن ندارند،
و اگر کاری را انجام می دهند فقط در حد رفع تکلیف است در صورتی که یک مدیر موفق،
می تواند به گونه ای رفتار کند که حتی کارمندان به خواست خودشان برای موفقیت مجموعه تلاش کنند.

این موضوع من را یاد سیستم آموزش و پرورش انداخت.
این روزها انتقادهای زیادی به سبک آموزش معلم ها،
و به طور کلی تری آموزش و پرورش می شود و متخصصان این حوزه معتقدند که بچه ها با بازی،
بهتر یاد می گیرند تا اینکه با زور سر کلاس بنشینند.

رفتار یک مدیر می تواند همینطوری عمل کند و به جای اینکه کارمندان را فراری بدهند،
می توانند با رفتارشان نهایت استفاده مفید را ببرند.
بنابراین برخورد و ویژگی مدیران موفق بسیار حائز اهمیت است.
اما مدیران موفق چه ویژگی هایی باید داشته باشند؟

صداقت بارزترین مشخصه مدیران موفق است

اگر یک شخص هزاران خصوصیت خوب داشته باشد اما،
صداقت نداشته باشد تمام آن هزاران خصوصیت مثبتش زیر سوال می رود.
عدم صداقت موجب می شود کارمندان نتوانند،
به مدیر و مجموعه ای که در آن کار می کنند اعتماد داشته باشند.

قبلا جایی کار می کردم که دقیقا مدیر آنجا **دروغ** می گفت،
و تصور می کرد که هیچکدام از کارمندان متوجه نمی شوند.

به مرور زمان همه متوجه دروغ ها شدند،
و کسی حاضر نبود در آن مجموعه کارش را ادامه بدهد.

انعطاف پذیری از دیگر خصوصیات مهم در مدیران موفق است

بهترین مدیر کسی است که می داند با هر کارمند مناسب با شخصیت او برخورد کند،
تا بتواند محیطی برایش ایجاد کند که بیشترین بازده را داشته باشد.
این مورد نیاز به انعطاف پذیری از سوی مدیر دارد که بتواند،
عملکردش را متناسب با شرایط موجود تغییر بدهد.
**کسی در قامت مدیر می تواند موفق عمل کند که بتواند،
در لحظه و سریع، فکر خودش را تغییر بدهد و چندین تکنیک جایگزین داشته باشد.**

مدیران موفق کارمندان را در جریان اهداف مجموعه قرار می دهند

معمولا مدیران موفق و قوی پس از آن که اهداف مجموعه و اولیت ها و راه حل ها را مشخص و پیدا کردند،
با اعضای تیم خود در مورد این مسائل صحبت می کنند و آن ها را در جریان این موضوعات قرار می دهند.

اگر کارمندان هدف مجموعه و راه های پیش رو را بدانند،
بهتر می توانند وظایف خودشان را انجام بدهند و حتی ممکن است،
پیشنهادهایی ارائه بدهند که خیلی مناسب و کار راه انداز باشد.

داشتن دانش و اطلاعات کافی

معمولا مدیران موفق کسانی هستند که نسبت به حوزه کاری خودشان اطلاعات بالایی دارند،
و اگر سوالی از آن ها پرسیده شود بدون من من کردن پاسخ را می گویند.
مثلا مدیری که در صنعت مد و پوشاک مشغول به کار است،
باید اطلاعاتش نه تنها تکمیل باشد بلکه بتواند این اطلاعات را به روز نگه دارد.

حتی یکی از نکات بسیار مهم اینجاست که **مدیران موفق باید،
بتوانند آینده حوزه کاریشان را تا حدودی پیش بینی کنند.**
مثلا زمانی که حرفه شان با بحران مواجه می شود،
اگر یک مدیر بتواند آن را پیش بینی کند،
می داند که بهترین راه این است که هزینه های اضافی را کاهش بدهند.

پایبند به اصول اخلاقی و مفاهیم حقوقی باشد

معمولا شرکت های بزرگ یک کارشناس مسائل حقوقی دارند، که به کمک آن ها حق و حقوقی را تعیین می کنند، که البته این روزها تمام این کارشناس ها استخدام می شوند، که از راه های قانونی و عدم اطلاعات از سوی کارمندان، به نفع شرکت عمل کنند، اما با این وجود مدیران موفق تلاش می کنند، حقوق اولیه اشخاص را محترم بشمارند و کارمندان را از حقوقشان محروم نکنند.

چونکه می دانند اگر کارمندان در محل کارشان احساس ارزشمندی کنند، با تمام توانشان برای مجموعه کاریشان تلاش می کنند.

سخنران های موفق یعنی مدیران موفق در آینده

یکی از خصوصیات بسیار مهم یک مدیر این است که بتواند به خوبی سخنرانی کند. هیتلر ابتدا که هیچ مقامی نداشته، توانسته با قدرت سخنوری که داشته، نظر دیگران به خودش جلب کند و به گروهی اضافه شود و به مرور زمان به هیتلر تبدیل شود.

تمام کسانی که در طول تاریخ توانستند به جایگاهی دست پیدا کنند، معمولا سخنران های موفقی بودند. این مسئله نشان می دهد که این قابلیت چقدر اهمیت دارد و چقدر باید به آن توجه کرد. **مدیری می تواند موفق عمل کند که بتواند در صحبت ها و سخنرانی هایش و با کلامش، روی کارمندان خود تاثیر بگذارد و آن ها را همسو با اهداف مجموعه کند.**

مدیران موفق شنونده های خوبی هستند

گوش دادن موثر و شنیدن حرف دیگران موجب می شود که نکات زیادی را دریابیم که ممکن است در تصمیم گیریمان موثر باشد.

این موضوع فقط به یک مدیر کمک نمی کند بلکه اگر در زندگی شخصیمان هم بیشتر از اینکه حرف بزنیم، به صحبت های دیگران گوش بدهیم، می توانیم تصمیم های بهتری هم بگیریم.

حالا این موضوع برای کسی که در جایگاه مدیریت قرار دارد اهمیت بیشتری دارد. چراکه یک مدیر با گوش دادن به صحبت های کارمندان، مشتری ها، روسا، همکارها و... می تواند تصمیم بهتری در راستای اهداف مجموعه بگیرد.

صبر و آرامش

کسی که در جایگاه مدیریت قرار دارد ممکن است موقعیت‌هایی برایش پیش بیاید که تحت فشار زیادی باشد. یک مدیر در چنین شرایطی نمی‌تواند مرخصی بگیرد و استراحت کند، نمی‌تواند کار نکند چراکه امید افراد زیادی است که از این طریق امرار معاش می‌کنند. بنابراین در چنین موقعیت‌هایی مهم است که مدیر بتواند آرامش خودش را حفظ کند، و حتی در شرایط بحرانی صبوری کند و تلاش کند که تیمش را به درستی هدایت کند. اصولاً کارمندان بعد از پشت سر گذاشتن چنین بحران‌هایی متوجه می‌شوند که می‌توانند به مدیرشان اعتماد داشته باشند یا نه!